

## بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

قدرت الله برزگر

استادیار حسابداری دانشکده اقتصاد و علوم اداری دانشگاه مازندران

محمد غواصی کناری<sup>۱</sup>

کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران،

m.ghavvasi2014@gmail.com , m.ghavvasi@ut.ac.ir

میر عسکری اکبری

کارشناس ارشد حسابداری

### چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه برخی از سازوکارهای راهبری شرکتی و میزان اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این راستا تأثیر برخی سازوکارهای راهبری شرکتی (شامل اندازه هیأت مدیره، درصد مدیران غیرمؤلف در هیأت مدیره، حضور مدیرعامل در هیأت مدیره، درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره، حضور متخصص مالی غیرمؤلف در هیأت مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و کمیته حسابرسی) بر اجتناب مالیاتی بررسی شده است. نمونه مورد بررسی در این پژوهش شامل ۲۵۵ شرکت پذیرفته شده طی دوره زمانی ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۲ می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از الگوی رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. یافته‌های تجربی نشان داد که ارتباط منفی معناداری بین متغیرهای اندازه هیأت مدیره، حضور مدیرعامل در هیأت مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل و کمیته حسابرسی با اجتناب مالیاتی وجود دارد. افزون بر این، بین متغیرهای درصد مدیران غیرمؤلف در هیأت مدیره، اندازه شرکت و اهرم با اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. اما ارتباط معناداری بین متغیرهای درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره، حضور متخصص مالی غیرمؤلف در هیأت مدیره و رشد شرکت با اجتناب مالیاتی مشاهده نشد. به عبارت دیگر، در ایران درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره، حضور متخصص مالی غیرمؤلف در هیأت مدیره و رشد شرکت تأثیری بر اجتناب مالیاتی ندارد.

طبقه‌بندی JEL: G34, H26

کلیدواژه: راهبری شرکتی، ساختار هیأت مدیره، کمیته حسابرسی، اجتناب از مالیات

## مقدمه

پس از آغاز انقلاب صنعتی در قرن هجدهم و با توسعه شرکت‌های سهامی و تخصصی شدن فعالیت شرکت‌ها، انبوه سرمایه‌گذاری به وجود آمدند که در اداره واحدهای اقتصادی مورد مشارکت خود نقش مستقیمی نداشتند و از طریق انتخاب هیأت مدیره و نظارت بر آن‌ها، بر اداره واحد اقتصادی خود همت می‌گماردند. حاصل این فرآیند، تفکیک مالکیت از مدیریت شرکت‌ها بود. با جدا شدن مالکیت و مدیریت، مدیران به عنوان نماینده سهامداران، شرکت را اداره می‌کنند. با شکل‌گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران و سایر ذینفعان (از جمله دولت) ایجاد می‌گردد و به طور بالقوه این امکان به وجود می‌آید که مدیران اقداماتی انجام دهند که در جهت منافع خودشان بوده و ضرورتاً در جهت منافع سهامداران و سایر ذینفعان (از جمله دولت) نباشد که به آن مسأله نمایندگی گفته می‌شود (فاما و جنسن<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳).

در رویکردهای گسترده نظام راهبری شرکتی -تئوری ذینفعان- یکی از ذینفعان اصلی شرکت‌ها، دولت است که در قالب مالیات سهم خود را از سود شرکت دریافت می‌نماید (کیم و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). بدین ترتیب که چنانچه عملیات شرکت به سود منتهی شود، قبل از هر تصمیمی در رابطه با این سود، سهم دولت از آن باید محاسبه و تحت عنوان مالیات پرداخت شود (باباجانی و عبدی، ۱۳۸۹). مالیات بیانگر یک هزینه مهم و یک کاهش در وجوه نقد باقیمانده برای شرکت و سهامداران آن است. از آنجایی که پرداخت مالیات منجر به کاهش ارزش شرکت و هم‌چنین کاهش سهم سایر ذینفعان از جمله سهامداران می‌شود، طبیعی است که مدیران استراتژی‌هایی را برای کاهش میزان مالیات قابل پرداخت به کار گیرند که یکی از این استراتژی‌ها اجتناب مالیاتی است (کیم و همکاران، ۲۰۱۰).

اجتناب مالیاتی به عنوان یکی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری در دسترس مدیران در نظر گرفته می‌شود. مشابه با دیگر تصمیمات سرمایه‌گذاری، مدیران انگیزه‌های شخصی برای انتخاب مقدار معینی از اجتناب مالیاتی دارند که ممکن است مورد علاقه سهامداران نباشد، بنابراین موجب افزایش مشکلات نمایندگی می‌گردد. همانند دیگر

1- Fama &amp; Jensen

2- Kim, et al.

بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده ... ۳۴۱

مشکلات نمایندگی، سازوکارهای راهبری شرکتی می‌تواند مشکلات نمایندگی ناشی از اجتناب مالیاتی را کاهش دهد. از این رو سؤال اصلی پژوهش این است که آیا سازوکارهای راهبری شرکتی بر اجتناب مالیاتی اثر دارد یا خیر؟ در واقع این تحقیق در پی تبیین رابطه بین سازوکارهای راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی می‌باشد. در این راستا به طور ویژه به بررسی تأثیر خصوصیات راهبری شرکتی مرتبط با هیأت مدیره شامل اندازه هیأت مدیره، درصد مدیران غیرمؤلف در هیأت مدیره، حضور مدیرعامل در هیأت مدیره، درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره، حضور متخصص مالی غیرمؤلف در هیأت مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی پرداخته خواهد شد.

ساختار بقیه مقاله به این صورت می‌باشد که در ادامه چارچوب نظری و سابقه تحقیقات انجام شده در داخل و خارج از کشور ارائه خواهد شد. سپس به توسعه فرضیه‌های پژوهش خواهیم پرداخت. در بخش بعدی روش تحقیق، جامعه و نمونه آماری، و تعریف متغیرهای تحقیق ارائه می‌گردد. در نهایت تحقیق با نتایج حاصل از آزمون‌های آماری فرضیه‌ها، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها حاصل از پژوهش خاتمه می‌یابد.

### چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

یکی از عوامل اصلی بهبود کارایی اقتصادی، نظام راهبری شرکتی است که در برگیرنده مجموعه‌ای از روابط میان مدیریت شرکت، هیأت مدیره، سهامداران و سایر گروه‌های ذینفع می‌باشد. راهبری شرکتی ساختاری را فراهم می‌کند که از طریق آن اهداف واحد تجاری تنظیم و وسایل دستیابی به این اهداف و نظارت بر عملکرد تعیین می‌گردد. هم‌چنین، انگیزه لازم برای تحقق اهداف واحد تجاری را در مدیریت ایجاد کرده و زمینه نظارت مؤثر را فراهم می‌کند. به این ترتیب، شرکت‌ها منابع را با اثر بخشی بیش‌تری به کار می‌گیرند (مکرمی، ۱۳۸۵). وجود نظام راهبری شرکتی مناسب می‌تواند شرکت‌ها را در جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و تشویق آن‌ها به سرمایه‌گذاری

کمک کند و اجرای این اصول در سطح شرکت طبق پژوهش‌های تجربی انجام شده سبب بهبود عملکرد مالی و افزایش ارزش شرکت می‌شود (بلک و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). تعاریف ارائه شده برای راهبری شرکتی متنوع است. عمده‌ترین عامل متمایز کننده این تعاریف را می‌توان گستره شمول راهبری شرکتی دانست. در دیدگاه‌های محدود، راهبری شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می‌شود. این یک الگوی قدیمی است که در قالب تئوری نمایندگی بیان می‌شود. در آن سوی طیف، راهبری شرکتی را می‌توان به صورت مجموعه‌ای از روابط دید که نه تنها بین شرکت و مالکان آن (سهامداران) بلکه بین یک شرکت و عده زیادی از ذینفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه و... وجود دارند. چنین دیدگاهی در قالب تئوری ذینفعان<sup>۲</sup> دیده می‌شود (حساس یگانه، ۱۳۸۴).

بر اساس تئوری ذینفعان، یکی از ذینفعان اصلی شرکت‌ها، دولت است که در قالب مالیات سهم خود را از سود شرکت دریافت می‌نماید (کیم و همکاران، ۲۰۱۰). در ایران بر اساس ماده ۱۰۵ اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰، معادل ۲۵ درصد از سود اشخاص حقوقی پس از کسر معافیت‌های قانونی، سهم دولت بوده و باید به عنوان مالیات در وجه دولت واریز شود. از طرف دیگر طبق مفاد ماده ۲۴۰ قانون تجارت، مجمع عمومی پس از تصویب حساب‌های سال مالی و احراز این که سود قابل تقسیم وجود دارد، بایستی مبلغی از آن را که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود، تعیین نمایند. این سود قابل تقسیم سودی است که مالیات متعلقه از آن کسر گردیده است. به عبارت دیگر یکی از اقلامی که از سود شرکت‌ها کسر می‌گردد تا سود قابل تقسیم بین سهامداران به دست آید، سهم و حق دولت از سود یا همان مالیات است (باباجانی و عبدی، ۱۳۸۹).

هزینه‌های مالیاتی از جمله هزینه‌های عمده‌ای می‌باشند که افراد و بنگاه‌ها به موجب فعالیت‌های درآمدزای خود، متحمل می‌شوند. با توجه با این که پرداخت مالیات منجر به انتقال ثروت از شرکت به دولت می‌شود و هم‌چنین کاهش ارزش شرکت و کاهش سهم سایر ذینفعان را در پی دارد، طبیعی است که آن‌ها استراتژی‌هایی را برای

1- Black, et al.

2- Stakeholder Theory

بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده ... ۳۴۳

کاهش میزان مالیات قابل پرداخت به کار گیرند (کیم و همکاران، ۲۰۱۰). فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی از جمله فعالیت‌هایی است که ممکن است شرکت‌ها به وسیله آن سعی در کاهش مالیات نمایند. در یک عبارت ساده؛ به هر نوع اقدام غیرقانونی جهت عدم پرداخت صحیح مالیات از قبیل حساب سازی، عدم ارائه‌ی دفاتر، و انجام فعالیت اقتصادی بدون رسم و نشان، فرار مالیاتی اطلاق می‌گردد.

در ادبیات حسابداری، اجتناب مالیاتی از دو بعد گسترده و محدود تعریف شده است. در بعد گسترده، اجتناب مالیاتی به صورت "کاهش آشکار مالیات به ازای هر ریال سود حسابداری قبل از مالیات" تعریف می‌گردد (هانلون و هیتزمن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). کمیته مشترک محاسبات مالیاتی آمریکا اجتناب مالیاتی را این‌گونه تعریف می‌کند: "هر گونه برنامه یا اقدامی که شرکت‌ها جهت کاهش یا عدم پرداخت مالیات انجام می‌دهند، بدون این‌که زیان یا ریسک اقتصادی را تحمل کرده باشند، اجتناب مالیاتی تلقی می‌شود" (ویلسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). طبق این تعریف تمام معاملاتی که بر بدهی مالیاتی آشکار شرکت اثر می‌گذارند، در زمره اجتناب مالیاتی قرار می‌گیرند و بین فعالیت‌های واقعی با مطلوبیت مالیاتی، فعالیت‌های اجتنابی که به منظور کاهش مالیات انجام می‌شوند و لابی‌هایی که برای کسب مزایای مالیاتی انجام می‌شوند، تفاوتی قائل نمی‌شود (جهرومی، ۱۳۹۱). طبق این تعریف، اگر اجتناب مالیاتی را به صورت طیفی از استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی در نظر بگیریم، در یک سر طیف اجتناب مالیاتی قانونی (نظیر سرمایه‌گذاری در اوراق مشارکت) و در سر دیگر طیف اجتناب مالیاتی غیرقانونی قرار می‌گیرد (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). از سوی دیگر، برخی اجتناب مالیاتی را به صورت انجام اقدامات قانونی به منظور کاهش بدهی مالیاتی تعریف می‌نمایند. در بعد محدود، تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی ریشه در قانونی بودن اقدامات مؤدیان دارد. فرار مالیاتی نوعی تخطی از قانون است؛ زمانی‌که مؤدی از گزارش درآمد مشمول مالیات مربوط به کار یا سرمایه خود خودداری می‌کند، دست به یک اقدام غیرقانونی می‌زند که وی را در معرض برخورد قانونی از جانب مراجع مالیاتی قرار می‌دهد. در مقابل، اجتناب مالیاتی در چارچوب قوانین مالیاتی انجام

1- Hanlon & Heitzman

2- Wilson

می‌شود و مؤدی دلیلی برای نگرانی بابت کشف احتمالی اقدامات خویش ندارد (جمهوری، ۱۳۹۱). به عبارت دیگر، فرار مالیاتی یک نوع تخلف و تخطی از قانون است، اما اجتناب مالیاتی، استفاده از خلأ قانونی و یا به تعبیری دیگر سوء استفاده رسمی از قوانین و معافیت‌ها و مشوق‌های قانونی است.

### ساختار هیأت مدیره

مکانیسم‌های داخلی راهبری شرکتی شاخصه‌هایی نظیر هیأت مدیره، حسابرسان داخلی و کمیته پاداش و... را دربرمی‌گیرد. برجسته‌ترین معیار داخلی راهبری شرکتی هیأت مدیره شرکت است که معمولاً در ارتباط با نظارت بر مدیریت استراتژیک می‌باشد (کنان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). در واقع می‌توان ادعا کرد که راز موفقیت شرکت‌های معروف و خوش نام، در برخورداری آن‌ها از یک هیأت مدیره مؤثر و کارا نهفته است. مهم‌ترین نقش هیأت مدیره حصول اطمینان از این است که منافع سهامداران در همه شرایط حمایت شده است (حساس یگانه و باغومیان، ۱۳۸۵). توانایی و قدرت هیأت مدیره در اجرایی و عملیاتی کردن برنامه‌ها و استراتژی‌های واحدهای تجاری در جهت منافع سهامداران به ویژگی‌های آن از جمله اندازه هیأت مدیره، درصد مدیران غیرمؤلف در هیأت مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و... بستگی دارد.

### اندازه هیأت مدیره

اندازه هیأت مدیره به تعداد کل اعضای هیأت مدیره - اعم از مؤلف و غیرمؤلف - اطلاق می‌شود. بر اساس ماده ۱۰۷ قانون تجارت، حداقل تعداد اعضای هیأت مدیره شرکت‌های سهامی عام پنج نفر می‌باشد.

شواهد تجربی حاکی از آن است که هیچ‌گونه اتفاق نظری در خصوص اندازه بهینه هیأت مدیره وجود ندارد؛ البته آن‌چه که مشخص است اینست که هیأت مدیره باید اندازه ای معقول داشته باشد. برخی معتقدند که هیأت مدیره بزرگ‌تر به خاطر داشتن توانایی بیش‌تر و برخورداری از طیف وسیعی از تجربه و تخصص برای محافظت از منابع

1- Keenan

بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده ... ۳۴۵

سهامداران اثر بخش‌تر هستند. ابدل رحمان و علی<sup>۱</sup> (۲۰۰۶)؛ زهرا و پیرس<sup>۲</sup> (۱۹۸۹) معتقدند در هیأت مدیره‌های بزرگ‌تر، فراوانی دیدگاه آن‌ها که روی هم انباشت می‌شود به احتمال زیاد تضاد شناختی را بهبود می‌بخشد. از سوی دیگر، برخی به این دیدگاه انتقاد می‌کنند و معتقدند که هیأت مدیره بزرگ‌تر به خاطر برنامه‌ریزی، هماهنگی در کارها، تصمیم‌گیری و برگزاری مرتب جلسات با مشکل مواجه می‌شوند و از اثربخشی کم‌تری نسبت به هیأت مدیره کوچک‌تر برخوردارند.

### درصد مدیران غیرمؤلف در هیأت مدیره

درصد مدیران غیرمؤلف در هیأت مدیره که از حاصل تقسیم تعداد مدیران غیرمؤلف (غیراجرایی) به تعداد اعضای هیأت مدیره به دست می‌آید، معمولاً به عنوان معیاری از استقلال هیأت مدیره در نظر گرفته می‌شود. از دیدگاه تئوری نمایندگی، حضور مدیران غیرمؤلف در هیأت مدیره و عملکرد نظارتی آنان به عنوان افرادی مستقل، منجر به کاهش تضاد منافع میان سهامداران و مدیران شرکت در جلسات هیأت مدیره کمک شایان توجهی می‌کند. گزارش کدبری توصیه کرده است که هیأت مدیره، باید حداقل دارای سه عضو غیرمؤلف باشد؛ تا اعضای مزبور، توان تأثیرگذاری بر تصمیمات هیأت مدیره را داشته باشند. هم‌چنین این اعضا باید از لحاظ ظاهری و واقعی (در عمل) دارای استقلال کافی باشند. در گزارش هیگز<sup>۳</sup> نیز، مهم‌ترین توصیه انجام شده این است که نیمی از اعضای هیأت مدیره باید متشکل از مدیران مستقل غیرمؤلف باشند.

به طور کلی پذیرفته شده است زمانی که نسبت مدیران غیرمؤلف در ترکیب هیأت مدیره بالاتر باشد، هیأت مدیره مستقل‌تر و کارا تر است (یرماک<sup>۴</sup>، ۱۹۹۶). به عبارت دیگر، هر چه تعداد مدیران غیرمؤلف (غیراجرایی) بیش‌تر باشد، اثربخشی هیأت مدیره در انجام وظایف حداکثرسازی ثروت برای سهامداران به واسطه نظارت و کنترل رفتار غیربهبینه و فرصت طلبانه مدیران بیش‌تر خواهد بود. اما برخی دیگر از محققان مانند

1- Abdul Rahman & Ali

2- Zahra & Pearce

3- Higgs Report

4- Yermack

آدامز و مهران<sup>۱</sup>، (۲۰۰۸)؛ بلخیر<sup>۲</sup>، (۲۰۰۶)؛ هرمالین و ویسباخ<sup>۳</sup>، (۱۹۹۱) معتقدند که ترکیب هیأت مدیره تأثیری بر حداکثر کردن ثروت ندارد و به رابطه معناداری نرسیدند.

### درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره

بر اساس آیین‌نامه راهبری شرکتی (۱۳۸۶)، تعهد مالکیت سهام هیأت مدیره مشمول تعهد مالکیت سهام طبق قانون تجارت و اساسنامه هستند که براساس تمهیدات در نظر گرفته شده در آن، به محض اجرای دستور العمل‌های معین و به شرط حصول شرایط تعهد، در طول مدتی که عضو هیأت مدیره یا مدیریت ارشد می‌باشند، باید تعداد سهام عادی لازم را تا تاریخی که مشمول تعهد می‌شوند در اختیار داشته باشند. به منظور افزایش کارآمدی کارکنان و مدیران و شرکت‌های تابعه، هیأت مدیره تمهیداتی خواهد اندیشید که کارکنان و مدیران تعداد معینی از سهام را در اختیار داشته باشند. این حداقل تعداد سهام تا تاریخ همکاری کارکنان و مدیران باید حفظ شود.

### دوگانگی نقش مدیرعامل

دوگانگی نقش مدیرعامل به این موضوع اشاره دارد که مدیرعامل کسی است که همزمان رئیس هیأت مدیره<sup>۴</sup> هم باشد (دالتون و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷). در گزارش کادبری<sup>۶</sup> کادبری<sup>۶</sup> (۲۰۰۲) و هیگز<sup>۷</sup> (۲۰۰۳) توصیه شده است که بین اعضای هیأت مدیره، باید توازن قدرت وجود داشته باشد تا هیچ کس قادر به کنترل بی قید و شرط فرآیند تصمیم‌گیری شرکت نباشد. دستورالعمل راهبری شرکتی در ایران (۱۳۸۵)، نیز در این خصوص رهنمودهای مشابهی دارد. دلیل اصلی تفکیک نقش‌ها و نسپردن مسئولیت‌ها به یک فرد واحد آن است که چنانچه هر دو نقش به یک فرد سپرده شود آن‌گاه نقش

- 
- 1- Adams & Mehran
  - 2- Belkhir
  - 3- Hermalin & Weisbach
  - 4- chairman
  - 5- Dalton, et al.
  - 6- Cadbury Report
  - 7- Higgs Report



بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده ... ۳۴۷

نظارتی (به عنوان رئیس هیأت مدیره) در برابر مسئولیت اجرایی (در قالب مدیرعامل) آسیب جدی خواهد دید.

به طور کلی، دوگانگی نقش مدیرعامل به عنوان محدودیتی بر استقلال هیأت مدیره در نظر گرفته می‌شود. حضور مدیرعامل شرکت در نقش رئیس هیأت مدیره در واقع تمرکز دو وظیفه اجرایی و نظارت در یک شخص واحد است. در این حالت که رهبری مرکب نامیده می‌شود، نقش نظارت دچار اختلال می‌شود (هنتیگالا و آرمسترانگ، ۲۰۱۱). در نقطه مقابل، لیو و لین<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) استدلال کردند وقتی که مدیرعامل همزمان رئیس هیأت مدیره نیست، او قادر است شرکت را به شیوه بی طرفانه تر اداره کند و بنابراین، نقش نظارت هیأت مدیره بهبود می‌یابد. دونالدسون و دیویس<sup>۲</sup> (۱۹۹۴)، نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تفکیک وظایف رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل از جمله محرک‌هایی است که به دلیل اعطای استقلال بیش‌تر در تصمیم‌گیری، موجب کاهش مشکلات نمایندگی و بهبود عملکرد می‌شود.

### کمیته حسابرسی

بر اساس آیین‌نامه راهبری شرکتی (۱۳۸۶)، ترکیب اعضای کمیته حسابرسی شامل پنج عضو است که حداقل دو عضو آن از اعضای غیرموظف هیأت مدیره و بقیه از خارج شرکت و به انتخاب هیأت مدیره می‌باشند. هیأت مدیره اعضای کمیته و رئیس کمیته را منصوب می‌نماید. هریک از اعضای کمیته حسابرسی باید مستقل و آشنا با حسابداری و امور مالی باشد. حداقل دو نفر از اعضای کمیته باید حسابدار رسمی یا کارشناس و خیره امور مالی باشند. هیچ یک از اعضای کمیته حسابرسی نباید همزمان به عنوان عضو کمیته حسابرسی بیش از دو شرکت سهامی عام دیگر انجام وظیفه نمایند.

پشتوانه نظری تشکیل کمیته حسابرسی را می‌توان در نظریه نمایندگی مشاهده کرد. بر اساس نظریه نمایندگی، سهامداران و بستانکاران به عنوان مالکان درصد کسب حداکثر سودمندی از مدیریت هستند که به عنوان نماینده آن‌ها انجام وظیفه می‌کنند

1- Liu & Lin

2- Donaldson & Davies

(کالبرز و فوگارتی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸). به دلیل جدایی میان مالکیت و مدیریت، سهامداران قادر به مشاهده مستقیم اعمال مدیریت نیستند (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). بنابراین، کنترل‌هایی از جانب سهامداران برقرار می‌شود تا مدیران را از دنبال کردن اهدافی که مانع حداکثر کردن ثروت سهامداران شده، باز دارد. هدف این کنترل‌ها نیز، همسو کردن انگیزه‌های مدیران و سهامداران و هم محدود کردن فعالیت‌های فرصت طلبانه مدیران است (دیلاپورتاس و دیگران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). کمیته‌های حسابرسی مثالی از چنین کنترل‌هایی کنترل‌هایی در راهبری شرکتی است. در واقع نقش اصلی کمیته حسابرسی شرکت‌ها نظارت بر فرایند گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌باشد. استقلال کمیته حسابرسی اغلب به عنوان ویژگی ضروری تأثیرگذار بر اثربخشی کمیته حسابرسی در فرایند نظارت بر گزارشگری مالی در نظر گرفته می‌شود زیرا اعضای کمیته مدیران خارجی و مستقل از مدیریت هستند. تخصص و مهارت اعضای کمیته حسابرسی، ویژگی دیگری از ویژگی‌های کمیته حسابرسی است که با اثربخشی کمیته حسابرسی ارتباط تنگاتنگی داشته است. در ایالات متحده، بیسلی<sup>۳</sup> (۱۹۹۶) نشان می‌دهد که وجود کمیته حسابرسی و استقلال مدیران، تقلب گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد. پینکاس<sup>۴</sup> (۱۹۸۹)، راسبارسکی و وانگ<sup>۵</sup> (۱۹۸۹) دریافتند که جدایی مدیریت از سهامداران شرکت؛ در شرکت‌هایی که به طور اختیاری کمیته حسابرسی تشکیل می‌دهند نسبت به شرکت‌هایی که کمیته حسابرسی ندارند، کم‌تر است.

### سابقه تحقیقات و مطالعات انجام گرفته

مطالعات بسیار کمی در زمینه راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی انجام شده و کم‌تر پژوهشی این ارتباط را به صورت مستقیم مورد بررسی قرار داده است (آرمسترونک و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۳). در ادامه به برخی از تحقیقات عمده که در این خصوص انجام شده اشاره می‌شود.

- 
- 1- Kalbers & Fogarty
  - 2- Dellaportas
  - 3- Beasley
  - 4- Pincus
  - 5- Rusbarsky & Wong
  - 6- Armstrong, et al.

بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده ... ۳۴۹

### ۱-۱- مطالعات و تحقیقات تجربی در کشورهای خارجی

آرمسترونگ و همکاران (۲۰۱۳)، به بررسی "تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های امریکایی طی سال ۲۰۰۷-۲۰۱۰" پرداختند. آن‌ها دریافتند تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب مالیاتی بیش‌تر در دو سر طیف یا به عبارتی دیگر دنباله‌های جدول آماری اجتناب مالیاتی وجود دارد. نکته قابل توجه این بود که این محققین رابطه مثبتی بین درصد اعضای غیرموظف و هم‌چنین مهارت مالی هیأت مدیره در سر طیف بالای تابع اجتناب مالیاتی مشاهده کردند؛ ولی این رابطه را در سر طیف پایین یا به بیان دیگر دنباله پایین تابع اجتناب مالیاتی مشاهده نکردند. هم‌چنین آن‌ها به رابطه معناداری بین راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی، چه در میانه و چه در میانگین تابع توزیع دست نیافتند. آن‌ها استدلال کردند که راهبری شرکتی در صدد ایجاد توازن اجتناب مالیاتی است و در شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی خیلی بالا است، گرایش به کاهش آن دارد و در شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی بسیار پایین است نیز راهبری شرکتی در صدد افزایش اجتناب مالیاتی می‌باشد.

رابینسون و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۲)، در پژوهشی به "بررسی ارتباط بین اجتناب مالیاتی و تخصص مالی کمیته حسابرسی" پرداختند. آن‌ها دریافتند که تخصص مالی کمیته حسابرسی در کل ارتباط مثبتی با طرح‌های مالیاتی دارد، اما زمانی که آن‌ها گمان کنند برنامه‌های اجتناب مالیاتی ریسکی هستند، این ارتباط منفی خواهد بود.

لانیس و ریچاردسون<sup>۲</sup> (۲۰۱۱)، به بررسی "اثر ترکیب هیأت مدیره بر رویه مالیاتی متهورانه شرکت‌ها" پرداختند. آن‌ها در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که تعداد اعضای غیرموظف هیأت مدیره رابطه‌ای منفی و معنادار با رویه مالیاتی متهورانه دارد. به عبارت دیگر، هرچه تعداد اعضای غیرموظف هیأت مدیره بیش‌تر باشد، شرکت کم‌تر به مدیریت مالیات روی می‌آورد.

کیم و همکاران (۲۰۱۰)، در پژوهش خود به بررسی "رابطه بین اجتناب مالیاتی و ریسک سقوط قیمت سهام" پرداختند. بررسی‌های آن‌ها نشان داد در شرکت‌هایی که اقدام به اجتناب از پرداخت مالیات کرده‌اند، ریسک سقوط آتی قیمت سهام بیش‌تر

1- Robinson, et al.

2- Lanis & Richardson

است. یافته‌های این پژوهش هم‌چنین نشان داد که رابطه مثبت بین اجتناب مالیاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام، در شرکت‌هایی که نظام راهبری قوی‌تری دارند، ضعیف‌تر است؛ به عبارت دیگر رابطه مثبت کم‌تری بین اجتناب مالیاتی و ریسک سقوط قیمت سهام وجود دارد. چنین نتیجه‌ای مطابق این دیدگاه است که اجتناب مالیاتی برای مدیران فرصتی فراهم می‌آورد تا با رفتارهای فرصت‌طلبانه، اخبار بد را پنهان و انباشته نمایند. این امر موجب می‌شود که قیمت سهام بیش از واقع ارزیابی شود و حباب قیمتی رخ دهد. مهم‌تر این که مخفی کردن اطلاعات منفی درباره شرکت فرصت انجام اقدامات اصلاحی به موقع یا برکناری پروژه‌های ضعیف و نامناسب را از سرمایه‌گذاران و هیأت مدیره می‌گیرد. وقتی اخبار بد به اوج خود می‌رسند و همه به یکباره آشکار می‌شوند، شاهد سقوط قیمت سهام خواهیم بود.

مینیک و نوگا<sup>۱</sup> (۲۰۱۰)، در مطالعه‌ای به بررسی "رابطه بین ویژگی‌های راهبری شرکتی بر مدیریت مالیات" پرداختند. آن‌ها نشان دادند که طرح‌های پاداش به عنوان محرکی برای مدیران جهت سرمایه‌گذاری در طرح‌های بلندمدت و مالیات‌کاه عمل می‌کند. هم‌چنین یافته‌های آن‌ها نشان داد که مدیریت مالیات سهامداران را منتفع می‌سازد و رابطه مثبتی با افزایش بازده سهامداران دارد. این مطلب مبین آن بود که مدیریت مالیات و اجتناب مالیاتی فعالیت‌های ارزش‌زا هستند. این محققان استدلال کردند مکانیزم‌های راهبری، نقشی مهم در فرآیند مدیریت مالیات ایفا می‌نمایند و در بلندمدت نیز سبب بهبود عملکرد شرکت می‌شوند.

کرانا و موسر<sup>۲</sup> (۲۰۱۰)، در پژوهشی به این موضوع پرداختند که "آیا مالکیت نهادی نهادی عاملی اثرگذار بر اجتناب مالیاتی می‌باشد یا خیر؟". آن‌ها برای عملیاتی نمودن اجتناب مالیاتی، از نرخ مؤثر مالیات نقدی پنج ساله و تفاوت مالیات دفتری دائمی سالانه طی بازه زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۸ استفاده کردند و نتیجه گرفتند شرکت‌هایی که مالکین نهادی بیش‌تری دارند، اجتناب مالیاتی بیش‌تری دارند.

سارتوری<sup>۳</sup> (۲۰۰۸)، در تحقیقی تحت عنوان "اثرات ناشی از رفتارهای مالیاتی استراتژیک بر راهبری شرکتی" نشان داد که واکنش‌های بین راهبری شرکتی و مالیات

1- Minnick & Noga  
2- Khurana & Moser  
3- Sartori

بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده ... ۳۵۱

به صورت متقابل بوده؛ در حقیقت، از یک سو، قواعد حاکمیت شرکتی تأثیرات ساختاری در برآورده کردن تعهدات مالیاتی شرکت‌ها دارد و از سوی دیگر، طرح‌های مالیاتی (از دیدگاه دولت) و ارتباط دادن آن‌ها به استراتژی‌های مالیاتی (از دیدگاه شرکت) می‌تواند تأثیر به‌سزایی در ایجاد یک راهبری شرکتی پویا داشته باشد.

دسای، دایک و زینگالس<sup>۱</sup> (۲۰۰۷)، در تحقیق خود به بررسی "رابطه بین اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و مشوق‌های پر قدرت" پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که نرخ‌های مالیاتی بالا، سبب بدتر شدن سیستم‌های راهبری شرکتی می‌شود و برعکس، نرخ‌های پایین مالیاتی باعث بهبود سیستم‌های راهبری شرکتی شده، افزایش درآمدهای مالیاتی را در پی خواهد داشت.

فریز و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۶)، به بررسی "مالیات‌بندی و راهبری شرکتی" پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که قانون مالیات می‌تواند اصول راهبری شرکت‌ها را با ارائه امتیازات یا تحمیل مجازات تحت تأثیر قرار دهد. به علاوه ساختار اصول راهبری شرکت‌ها تحت تأثیر این‌که شرکت چگونه مالیات را مدیریت می‌کند، قرار می‌گیرد. هم‌چنین، سیستم مالیاتی می‌تواند اصول راهبری شرکت‌ها را در دوره پرداخت سود سهام تحت تأثیر قرار دهد.

### ۱-۲- مطالعات و تحقیقات تجربی در بورس اوراق بهادار تهران

مهرانی و سیدی (۱۳۹۲)، به بررسی "تأثیر اجتناب مالیاتی بر تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۱-۱۳۹۰" پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین سطح اجتناب مالیاتی و اختلاف مالیات تشخیصی و ابرازی وجود دارد. نتیجه این تحقیق نشان داد دولت تمایل دارد از شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی می‌نمایند، مالیات بیش‌تر اخذ نماید؛ در نتیجه سیاست کاهش مالیات به وسیله استراتژی اجتناب مالیاتی ممکن است کارایی لازم را برای این شرکت‌ها نداشته باشد.

1- Desaia & Dyckb & Zingalesc

2- Friese, et al.

جهرومی (۱۳۹۱)، به بررسی "ارتباط بین سطح اجتناب مالیاتی و شفافیت شرکت‌ها طی بازه زمانی ۱۳۸۷-۱۳۸۹" پرداخت. وی در پژوهش خود به این نتیجه رسید که رابطه معناداری بین اجتناب مالیاتی و شفافیت شرکت‌ها وجود ندارد. با این حال وقتی این رابطه را به وسیله نرخ مؤثر مالیات نقدی سه ساله مورد آزمون قرار داد دریافت شرکت‌هایی که شفافیت کم‌تری دارند، نرخ مؤثر مالیاتی بالاتری دارند و در نتیجه اجتناب مالیاتی کم‌تری دارند. نتیجه تحقیق انجام شده مؤید رویکرد ارزش آفرینی در خصوص اجتناب مالیاتی شرکت‌ها بود.

باباجانی و همکاران (۱۳۸۹)، "رابطه برخی معیارهای راهبری شرکتی (درصد اعضای غیرمؤلف، نقش ترکیبی مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره و سهامداران نهادی) و درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی" را مورد ارزیابی قرار دادند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که بین وجود یا عدم وجود معیارهای راهبری شرکتی و درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی رابطه معناداری وجود ندارد.

### فرضیه‌های پژوهش

برای تحقق هدف پژوهش و پاسخ به سؤال تحقیق، فرضیه‌های این پژوهش با توجه به مبانی نظری مطرح شده، به صورت زیر تدوین شده است:

فرضیه اول) بین اندازه هیأت مدیره و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.  
فرضیه دوم) بین درصد مدیران غیرمؤلف و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم) بین حضور مدیرعامل در هیأت مدیره و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم) بین درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه پنجم) بین حضور متخصص مالی غیرمؤلف و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ششم) بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده ... ۳۵۳

فرضیه هفتم) بین کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

## روش‌شناسی و طرح پژوهش

### ۱-۱- جامعه آماری و نمونه پژوهش

به منظور انجام تحقیق، شرکت‌های عضو نمونه آماری از بین آن دسته از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که شرایط زیر را دارا بوده‌اند، انتخاب و مابقی حذف شده‌اند (نمونه‌گیری حذفی سیستماتیک):

(۱) شرکت تا قبل از شروع سال ۱۳۸۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد و تا پایان سال ۱۳۹۲ نیز از بورس خارج نشده باشد.

(۲) به منظور افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند باشد.

(۳) طی دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشد.

(۴) تمامی اطلاعات مالی و غیرمالی مورد نیاز، از جمله یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی آن‌ها در دسترس باشند.

(۵) به دلیل تفاوت ناشی از فعالیت، افشای مالی و ساختار راهبری شرکتی مرتبط با گروه بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ)؛ در زمره این گروه نباشد.

با توجه به معیارهای فوق، تعداد ۲۵۵ شرکت در دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۲ (۹ سال) به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

### ۱-۲- مدل و متغیرهای پژوهش

برای بررسی تأثیر سازوکارهای راهبری شرکتی بر اجتناب مالیاتی از مدل (الگوی) کلی رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته داده‌های ترکیبی و به طور خاص مدل اجتناب مالیاتی نرخ مالیات تأثیرگذار نقدی ارائه شده توسط دیرنگ و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) استفاده شده است که به صورت زیر ارائه می‌شود:

1- Dyreng, et al.

$$\text{TaxAgg}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{BSIZE}_{it} + \beta_2 \text{OUTS}_{it} + \beta_3 \text{CEO}_{it} + \beta_4 \text{BOS}_{it} + \beta_5 \text{FD}_{it} + \beta_6 \text{DUALITYQ}_{it} + \beta_7 \text{AUDIT}_{it} + \beta_8 \text{SIZE}_{it} + \beta_9 \text{LEVERAGE}_{it} + \beta_{10} \text{GROWTH}_{it} + \mu_{it}$$

### متغیر وابسته

متغیر وابسته تحقیق، اجتناب مالیاتی ( $\text{TaxAgg}_{it}$ ) است. در این پژوهش معیار اجتناب از مالیات، میانگین بلندمدت میزان مالیات مؤثر نقدی ( $\text{CETR}$ )<sup>۱</sup> است. این معیار بر مبنای پژوهش دیرنگ و همکاران (۲۰۰۸) به صورت زیر تعریف شده است:

$$\text{CETR}_{it} = \frac{\text{Cash Taxes Paid}_{it}}{\text{Pre Tax Income}_{it}} = \frac{\text{TXPD}_{it}}{\text{PI}_{it}}$$

که در آن؛

$\text{CETR}_{it}$ : برابر است با نرخ مالیات تأثیرگذار نقدی.

$\text{TXPD}_{it}$ : برابر است با مجموع مالیات پرداختنی (در صورت گردش وجوه نقد) سال

جاری و چهار سال گذشته.

$\text{PI}_{it}$ : برابر است با درآمد قبل از مالیات.

مقادیر بالاتر میزان مالیات مؤثر نقدی نشان دهنده اجتناب مالیاتی پایین‌تر است. این معیار نشان دهنده تفاوت‌های موقتی و دائمی مالیات پرداختنی و مالیات ابرازی است، و از اثرات تعهدی مالیاتی که در هزینه‌های جاری مالیاتی آمده است، اجتناب می‌نماید (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). علاوه بر این، این معیار تحت تأثیر تغییرات رویدادها و حمایت‌های مالیاتی شرکت قرار نمی‌گیرد، و از این رو، ارزیابی دقیقی از فعالیت‌های اجتناب از مالیات در سطح شرکتی به دست می‌دهد (دیرنگ و همکاران، ۲۰۰۸). علاوه بر این، محاسبه میزان مالیات مؤثر در طول یک دوره پنج ساله از بی‌ثباتی در میزان مالیات مؤثر سالانه اجتناب می‌نماید و شرکت‌های موفق در اجتناب از مالیات را در بلندمدت شناسایی می‌کند (بون و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳).

1- Cash Effective Tax Rate

2- Boone, et al.



بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده ... ۳۵۵

### متغیرهای مستقل

- ۱- اندازه هیأت مدیره: تعداد اعضای تشکیل دهنده هیأت مدیره است.
- ۲- درصد مدیران غیرموظف در هیأت مدیره: نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره به کل اعضای هیأت مدیره است.
- ۳- حضور مدیر عامل در هیأت مدیره: بیانگر وجود مدیرعامل در اعضای تشکیل دهنده هیأت مدیره است.
- ۴- نسبت سهام تحت تملک اعضای هیأت مدیره: جمع درصدهای مالکیت کلیه اعضای هیأت مدیره بر تعداد اعضای هیأت مدیره آن شرکت تقسیم می‌شود.
- ۵- حضور متخصصان مالی غیرموظف در هیأت مدیره: بیانگر وجود متخصصان مالی غیرموظف در اعضای تشکیل دهنده هیأت مدیره است.
- ۶- دوگانگی نقش مدیرعامل: ترکیب نقش مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره در یک شخص واحد است.
- ۷- کمیته حسابرسی.

### متغیرهای کنترلی

- ۱- اندازه واحد تجاری: لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت است.
  - ۲- نسبت بدهی (میزان اهرم): تقسیم کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌ها می‌باشد.
  - ۳- رشد شرکت: فروش خالص سال جاری منهای فروش خالص سال قبل تقسیم بر فروش خالص سال قبل است.
- متغیرهای پژوهش، نوع و شیوه محاسبه آنها به طور خلاصه در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱- مکانیسم‌های راهبری شرکتی و نحوه سنجش آن‌ها

تعریف عملیاتی	نوع متغیر	نماد	نام متغیر
تعداد اعضا در هیأت مدیره	متغیر مستقل	BSIZE <sub>it</sub>	اندازه هیأت مدیره
نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره به کل اعضای هیأت مدیره.	متغیر مستقل	OUTS <sub>it</sub>	درصد مدیران غیرموظف در هیأت مدیره
اگر مدیرعامل، عضو هیأت مدیره نیز باشد عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک	متغیر مستقل	CEO <sub>it</sub>	حضور مدیر عامل در هیأت مدیره
جمع درصدهای مالکیت کلیه اعضای هیأت مدیره بر تعداد اعضای هیأت مدیره آن شرکت تقسیم می‌شود	متغیر مستقل	BOS <sub>it</sub>	نسبت سهام تحت تملک اعضای هیأت مدیره
در صورت وجود متخصص یا متخصصان مالی غیرموظف عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر	متغیر مستقل	FD <sub>it</sub>	حضور متخصصان مالی غیرموظف در هیأت مدیره
اگر نقش مدیرعامل از رئیس هیأت مدیره تفکیک نشده باشد عدد یک، و در غیر این صورت عدد صفر	متغیر مستقل	DUALITYQ <sub>it</sub>	دوگانگی نقش مدیرعامل
در صورت وجود کمیته حسابرسی در شرکت عدد یک، و در غیر این صورت عدد صفر	متغیر مستقل	AUDIT <sub>it</sub>	کمیته حسابرسی
لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌ها	متغیر کنترلی	SIZE <sub>it</sub>	اندازه واحد تجاری
تقسیم کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌ها	متغیر کنترلی	LEVERAGE <sub>it</sub>	نسبت بدهی (میزان اهرم)
فروش خالص سال جاری منهای فروش خالص سال قبل تقسیم بر فروش خالص سال قبل	متغیر کنترلی	GROWTH <sub>it</sub>	رشد شرکت

بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده ... ۳۵۷

لازم به ذکر است که برای تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها و محاسبه متغیرهای پژوهش از نرم افزار Excel و به منظور آزمون‌های آماری و تجزیه و تحلیل نهایی از نرم افزار STATA استفاده شده است.

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

### ۱-۱- آمار توصیفی

جدول (۲)، آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا می‌باشد. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی نظیر میانگین، میانه، حداکثر و حداقل؛ و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی نظیر انحراف معیار است.

جدول ۲- آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	کمینه	بیشینه	انحراف معیار
اجتناب مالیاتی	TaxAgg <sub>it</sub>	۰/۱۰۱۰	۰/۰۸۷۰	۰/۲۳۵۸	-۰/۹۷۷۴	۰/۸۳۶۳
اندازه هیأت مدیره	BSize <sub>it</sub>	۶/۴۳۶۶	۷	۹	۵	۱/۰۴۰۶
درصد مدیران غیرموظف در هیأت مدیره	OUTS <sub>it</sub>	۰/۴۶۴۴	۰/۴۲۸۵	۰/۸	۰/۱۴۲۸	۰/۰۹۸۰
حضور مدیرعامل در هیأت مدیره	CEO <sub>it</sub>	۰/۱۰۱۰	۰	۱	۰	۰/۳۰۱۵
نسبت سهام تحت تملک اعضای هیأت مدیره	BOS <sub>it</sub>	۰/۸۷۱۴	۰/۸۷	۰/۹۷	۰/۶۵	۰/۰۴۴۳
حضور متخصصان مالی غیرموظف در هیأت مدیره	FD <sub>it</sub>	۰/۱۶۲۹	۰	۱	۰	۰/۳۶۹۴
دوگانگی نقش مدیرعامل	Duality <sub>it</sub>	۰/۱۵۲۰	۰	۱	۰	۰/۳۵۹۱
کمیت حسابرسی	AUDIT <sub>it</sub>	۰/۸۷۱۴	۰	۱	۰	۰/۰۴۴۳
اندازه واحد تجاری	SIZE <sub>it</sub>	۱۲/۳۱۷۲	۱۲/۷۷۱۱	۱۸/۵۴۹۶	۴/۴۰۶۸	۲/۶۵۴۰
اهرم	LEVERAGE <sub>it</sub>	۰/۶۹۲۰	۰/۶۹۵۸	۱۱/۲۲۲۰	۰/۱۴۷۹	۰/۹۹۹۶
رشد شرکت	GROWTH <sub>it</sub>	۸/۷۵۵۶	۲/۱۳۹۱	۱۴/۶۵۱۳	-۶/۷۴۵۸	۹/۴۷۲۲

\* اعداد تا ۴ رقم اعشار آورده شده است.

جدول (۲) نشان می‌دهد که متوسط اجتناب مالیاتی شرکت‌ها به طور میانگین حدود ۱۰٪ می‌باشد. بر اساس این نگاره، تعداد حداقل و حداکثر اعضای هیأت مدیره در دوره مورد بررسی به ترتیب ۵ و ۹ می‌باشد. میانگین متغیر درصد مدیران غیرموظف در هیأت ۴۶/۴۴٪ است. این بیانگر این نکته است که در دوره‌های مورد بررسی، به طور متوسط ۴۶/۴۴٪ اعضای هیأت مدیره، از مدیران غیرموظف بوده‌اند. در شرکت‌های مورد بررسی، ۱۵/۲٪ مدیران عامل دارای نقش ترکیبی بوده، در سمت رئیس (یا نایب رئیس) هیأت مدیره نیز فعالیت می‌کردند. همچنین در دوره مورد بررسی، متوسط اندازه شرکت‌ها (که با لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های آن‌ها اندازه‌گیری می‌شود) برابر ۱۲/۳۱ و رشد شرکت مساوی ۰/۰۹٪ بوده است. بررسی انجام شده نیز حاکی از آن است که شرکت‌های ایرانی به مقدار زیادی بر اعتبارات اتکا می‌کنند و متوسط نسبت بدهی آن‌ها ۶۹٪ است.

### ۱-۲- آمار استنباطی

داده‌های این پژوهش به صورت ترکیبی می‌باشند، در داده‌های ترکیبی ابتدا از آزمون F لیمر استفاده می‌شود تا تلفیقی (Pool) یا تابلویی (Panel) بودن داده‌ها مشخص گردد. در صورتی که احتمال آزمون F لیمر بیش‌تر از ۵ درصد باشد، روش داده‌های تلفیقی برای آزمون داده‌ها انتخاب می‌شود و در غیر این صورت روش داده‌های تابلویی انتخاب می‌گردد. با توجه به نتایج به‌دست آمده در جدول (۳)، سطح معناداری برای آزمون F لیمر عدد ۰/۰۰۰۰ می‌باشد که این مقدار بیانگر رد فرضیه صفر (کارایی روش تلفیقی) بوده و حکایت از آن دارد که برای تخمین الگوی پژوهش باید از روش داده‌های تابلویی استفاده شود. با توجه به تابلویی بودن الگو، باید برای تعیین نوع داده‌های تابلویی (روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) از آزمون هاسمن استفاده نمود. همان‌طور که در جدول (۳) ملاحظه می‌گردد، سطح معناداری این آزمون ۰/۴۷۸۰ است که این مقدار حاکی از استفاده از روش اثرات تصادفی در مقابل روش اثرات ثابت می‌باشد.

بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده ... ۳۵۹

یکی از پیش فرض‌هایی که در رگرسیون مدنظر قرار می‌گیرد، استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش بینی شده توسط معادله رگرسیون) از یکدیگر است. در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد گردد و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند، در این حالت امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. بدین منظور، به‌منظور بررسی استقلال خطاها در داده‌های تابلویی، از آزمون وولدریج استفاده شده است. بر اساس آزمون انجام شده، سطح معناداری آزمون وولدریج (۰/۲۹۷۰) بیش‌تر از ۵ درصد بوده و این مقدار بیانگر عدم خودهمبستگی بین اجزا اخلال است.

جدول ۳- نتایج آزمون‌های استفاده شده برای مدل پژوهش

شرح	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
آزمون F لیمر	۴/۰۵۹۳۲	۰/۰۰۰۰	کارایی روش تابلویی
آزمون هاسمن	۹/۵۸۱۷	۰/۴۷۸۰	کارایی روش اثرات تصادفی
آزمون وولدریج	۱/۲۵۱۳	۰/۲۹۶۰	استقلال خطاها

یکی دیگر از پیش فرض‌های رگرسیون، عدم وجود هم‌خطی در بین متغیرهای توضیحی می‌باشد. بدین منظور آزمون عامل‌های تورم واریانس<sup>۱</sup> انجام شده است. این آزمون این موضوع را نشان می‌دهد که تا چه حد واریانس ضرایب تخمینی نسبت به حالتی که متغیرهای تخمینی همبستگی خطی ندارند، متورم شده است. در صورتی که در این آزمون مقدار عامل تورم واریانس بیش‌تر از عدد ۱۰ باشد، بیانگر این است که میان متغیرهای معادله رگرسیونی هم‌خطی شدیدی وجود دارد، اما در صورتی که این مقدار کم‌تر از عدد ۱۰ باشد، هم‌خطی قابل اغماض می‌باشد. بر اساس نتایج جدول (۴)، مقدار این آماره برای کلیه متغیرهای توضیحی از عدد ۱۰ فاصله چشمگیری دارند؛ بنابراین هم‌خطی بین متغیرها قابل اغماض می‌باشد.

1- Variance Inflation Factors

جدول ۴- نتیجه آزمون عامل تورم واریانس برای الگوی پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب همبستگی	VIF
اندازه هیأت مدیره	$BSIZE_{it}$	۰/۰۲۰۴۲۷	۳/۴۵۳۹۳۴
درصد مدیران غیرموظف در هیأت مدیره	$OUTS_{it}$	۲/۳۶۴۰۸۹	۳/۵۴۸۴۵۳
حضور مدیرعامل در هیأت مدیره	$CEO_{it}$	۰/۰۷۴۹۹۹	۱/۰۶۵۴۳۴
نسبت سهام تحت تملک اعضای هیأت مدیره	$BOS_{it}$	۳/۶۷۵۲۷۳	۱/۱۲۸۸۲۳
حضور متخصصان مالی غیرموظف در هیأت مدیره	$FD_{it}$	۰/۰۴۸۸۱۹	۱/۰۳۸۷۷۹
دوگانگی نقش مدیرعامل	$Duality_{it}$	۰/۰۵۱۲۶۴	۱/۰۳۳۳۶۲
کمیته حسابرسی	$AUDIT_{it}$	۰/۰۵۶۸۷۳	۱/۰۴۷۲۰۰
اندازه واحد تجاری	$SIZE_{it}$	۰/۰۰۰۹۴۷	۱/۰۴۲۶۱۸
اهرم	$LEVERAGE_{it}$	۰/۰۰۶۴۹۴	۱/۰۱۴۰۱۷
رشد شرکت	$GROWTH_{it}$	۰/۰۲۹۷۲۴	۱/۰۳۵۸۷۲

\* اعداد تا ۶ رقم اعشار آورده شده است.

جدول ۵- نتایج برازش مدل پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۵- نتایج تخمین مدل پژوهش

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
اندازه هیأت مدیره	-۴/۳۳۷۸	-۲/۳۲۴۹	۰/۰۱۵۶
درصد مدیران غیرموظف در هیأت مدیره	۰/۸۲۵۲	۲۹/۲۲۸۲	۰/۰۰۰۰
حضور مدیرعامل در هیأت مدیره	-۰/۰۶۵۸	-۲/۰۰۰۰	۰/۰۴۵۸
نسبت سهام تحت تملک اعضای هیأت مدیره	۰/۰۱۹۸	۰/۶۰۶۵	۰/۵۴۴۳
حضور متخصصان مالی غیرموظف در هیأت مدیره	-۵/۸۰۰۹	-۰/۹۷۷۱	۰/۳۲۹۰
دوگانگی نقش مدیرعامل	-۷/۱۸۰۸	-۲/۱۴۲۵	۰/۰۳۲۴
کمیته حسابرسی	-۷/۵۳۰۹	-۲/۲۸۹۳	۰/۰۴۸۰
اندازه واحد تجاری	۰/۱۲۳۶	۳/۹۴۲۳	۰/۰۰۰۱
اهرم	۰/۲۲۷۲	۳۵/۷۱۱۵	۰/۰۰۰۰
رشد شرکت	۰/۰۵۸۰	۰/۵۲۶۲	۰/۵۹۸۹
عرض از مبدأ	۰/۶۹۵۱	۳۵/۳۹۵۰	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۸۴۷۷	آماره F (سطح معناداری): ۱۵۹/۴۱۹۳ (۰/۰۰۰۰)		

\* اعداد تا ۴ رقم اعشار آورده شده است.

بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده ... ۳۶۱

به منظور معناداری کلی معادله رگرسیون، از احتمال آماره F فیشر استفاده شده است؛ از آنجا که مقدار احتمال آماره F کم‌تر از ۵ درصد می‌باشد، در نتیجه معادله رگرسیون از معناداری و اعتبار بالایی برخوردار است. علاوه بر این، ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان دهنده این است که ۸۴/۷۷ درصد تغییرات در متغیر وابسته (اجتناب مالیاتی) توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول تحقیق نشان داد که ضریب و احتمال آماره t متغیر اندازه هیأت مدیره به ترتیب  $-۴/۳۳۷۸۲۲$  و  $۰/۰۱۵۶$  می‌باشد. در نتیجه، ارتباط منفی بین اندازه هیأت مدیره و اجتناب مالیاتی برقرار است. اگر یک واحد اندازه هیأت مدیره افزایش یابد، منجر به کاهش  $۴/۳۳$  واحدی در نرخ مالیات تأثیرگذار نقدی می‌شود. بنابراین فرض اول تأیید می‌شود.

مطابق فرضیه دوم تحقیق ارتباط معناداری بین درصد مدیران غیرموظف و اجتناب مالیاتی انتظار می‌رفت. ضریب و احتمال آماره t متغیر درصد مدیران غیرموظف هیأت مدیره  $۰/۸۲۵۲۵۸$  و  $۰/۰۰۰۰$  می‌باشد، که بیانگر ارتباط مثبت بین درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره و اجتناب مالیاتی می‌باشد، این ارتباط در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر، هرچه اعضای غیرموظف در هیأت مدیره شرکت بیش‌تر باشد، اجتناب مالیاتی نیز بیش‌تر خواهد بود. بنابراین، فرضیه دوم تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه سوم تحقیق ارتباط معناداری را بین حضور مدیرعامل در هیأت مدیره و اجتناب مالیاتی پیش‌بینی نمود، همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، ضریب و احتمال آماره t متغیر حضور مدیرعامل در هیأت مدیره  $-۰/۰۶۵۸۲۰$  و  $۰/۰۴۵۸$  می‌باشد، که نشان دهنده ارتباط منفی و معنادار (در سطح اطمینان ۹۵٪) بین حضور مدیرعامل در هیأت مدیره و اجتناب مالیاتی می‌باشد. بدین صورت که اگر یک واحد حضور مدیرعامل در هیأت مدیره افزایش یابد، منجر به کاهش  $۰/۰۶$  واحدی در مالیات تأثیرگذار نقدی می‌شود. بنابراین فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌شود.

بر اساس فرضیه چهارم، انتظار بر این است که بین درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد. مطابق جدول (۴)، ضریب و احتمال آماره t متغیر درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره در هیأت مدیره  $۰/۱۹۸۵۶$  و  $۰/۵۴۴۳$

می‌باشد، که نشان دهنده عدم ارتباط معنادار (در سطح اطمینان ۰/۹۵) بین درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره و اجتناب مالیاتی در ایران می‌باشد. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش رد می‌شود.

فرضیه پنجم پژوهش، پیش بینی می‌کند که رابطه معناداری بین حضور متخصص مالی غیرموظف و اجتناب مالیاتی وجود دارد. بر اساس جدول (۴)، ضریب و احتمال آماره  $t$  متغیر حضور متخصصان مالی غیرموظف در هیأت مدیره ۵/۸۰۰۹- و ۰/۳۲۹۰ می‌باشد، که نشان دهنده عدم ارتباط معنادار (در سطح اطمینان ۰/۹۵) بین حضور متخصص مالی غیرموظف در هیأت مدیره و اجتناب مالیاتی در ایران می‌باشد. بنابراین فرضیه پنجم پژوهش رد شده است.

مطابق فرضیه ششم تحقیق ارتباط معناداری بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و اجتناب مالیاتی وجود دارد. ضریب و احتمال آماره  $t$  متغیر دوگانگی وظیفه مدیرعامل ۷/۱۸۰۸- و ۰/۰۳۲۴ می‌باشد، که بیانگر ارتباط منفی بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و اجتناب مالیاتی می‌باشد. به عبارت دیگر؛ در صورتی که یک واحد دوگانگی نقش مدیرعامل افزایش یابد، منجر به کاهش ۷/۱۸ واحدی مالیات تأثیرگذار نقدی می‌شود. این ارتباط در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار می‌باشد. بنابراین، فرضیه ششم تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه هفتم پژوهش پیش بینی می‌کند که بین کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب و احتمال آماره  $t$  متغیر کمیته حسابرسی ۷/۵۳۰۹- و ۰/۰۴۸۰ می‌باشد، که بیانگر ارتباط منفی بین کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی می‌باشد. این ارتباط در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار می‌باشد. بنابراین، فرضیه هفتم تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هزینه مالیات رقم عمده‌ای را در صورت سود و زیان تشکیل می‌دهد و از طرفی اجتناب مالیاتی باعث کاهش مالیات پرداختی شرکت و بهبود عملکرد شرکت از طریق افزایش سود بعد از کسر مالیات می‌شود. از سوی دیگر، ساختار راهبری شرکتی نقش تعیین کننده‌ای در راهبرد مالیاتی شرکت دارد. از این رو این پژوهش به دنبال یافتن



بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده ... ۳۶۳

پاسخی برای این سوال بود که آیا سازوکارهای راهبری شرکتی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد یا خیر؟ در این راستا، از معیارهای اندازه هیأت مدیره، درصد مدیران غیرمؤظف در هیأت مدیره، حضور مدیرعامل در هیأت مدیره، درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره، حضور متخصص مالی غیرمؤظف در هیأت مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و کمیته حسابرسی به عنوان سازوکارهای راهبری شرکتی استفاده گردید. همچنین، برای سنجش اجتناب مالیات نیز از میانگین بلندمدت میزان مالیات مؤثر نقدی استفاده شده است.

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، ارتباط منفی معناداری بین متغیرهای اندازه هیأت مدیره، حضور مدیرعامل در هیأت مدیره و دوگانگی نقش مدیرعامل با اجتناب مالیاتی وجود دارد. افزون بر این، بین متغیرهای درصد مدیران غیرمؤظف در هیأت مدیره، اندازه شرکت و اهرم با اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این نتیجه نشان می‌دهد که در ایران، شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل امکانات بیش‌تر گرایش بیش‌تری به اجتناب مالیاتی دارند. همچنین شرکت‌هایی که دارای اهرم بزرگ‌تری هستند، دارای تمایل بیش‌تری نسبت به اجتناب مالیات هستند. اما بر اساس نتایج به‌دست آمده، ارتباط معناداری بین متغیرهای درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره، حضور متخصص مالی غیرمؤظف در هیأت مدیره و رشد شرکت با اجتناب مالیاتی مشاهده نشد. به عبارت دیگر، در ایران درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره، حضور متخصص مالی غیرمؤظف در هیأت مدیره و رشد شرکت تأثیری بر اجتناب مالیاتی ندارد.

با توجه به نتایج تحقیق پیشنهادات زیر را می‌توان ارائه کرد:

- ۱- با توجه به اهمیت ساختار اصول راهبری شرکت‌ها و از طرف دیگر اهمیت مالیات و سود شرکت به سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان پیشنهاد می‌شود در تصمیم‌گیری‌های‌شان نتایج این تحقیق را مدنظر قرار دهند.
- ۲- به حسابرسان پیشنهاد می‌شود در حسابرسی شرکت‌ها برای شناسایی اجتناب مالیاتی شرکت در بلندمدت نتایج این تحقیق را در خصوص سازوکارهای راهبری شرکتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و ویژگی‌های خاص هر شرکت مدنظر قرار دهند.

۳- به هیأت مدیره و مدیران پیشنهاد می‌شود با در نظر گرفتن راهبرد شرکت در خصوص اجتناب مالیات در انتخاب حسابرس نتایج این تحقیق را در نظر بگیرند. در تحقیقات آتی بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر مالیات تعیین شده توسط دولت، بررسی تأثیر مالیات تشخیصی و قطعی بر اجتناب مالیاتی سنوات آتی شرکت، بررسی موضوع کاهش مالیات و همچنین اجتناب مالیاتی از منظر تئوری‌های اخلاق پیشنهاد می‌گردد. علاوه بر این، در این مطالعه از اندازه هیأت مدیره، درصد مدیران غیرمؤلف در هیأت مدیره، حضور مدیرعامل در هیأت مدیره، درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره، حضور متخصص مالی غیرمؤلف در هیأت مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و کمیته حسابرسی به عنوان شاخص‌های نظام راهبری شرکت استفاده شد. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی از سایر شاخص‌های موجود در این زمینه نظیر مدت تصدی عضویت در هیأت مدیره، تعداد جلسات هیأت مدیره، سطح دانش، مالکیت و صلاحیت اعضای هیأت مدیره و... استفاده شود و تأثیر آن‌ها بر اجتناب از مالیات شرکت‌های بورسی مورد آزمون قرار گیرد.

#### محدودیت‌های مربوط به تعمیم نتایج

در فرآیند تحقیق علمی، مجموعه شرایط و مواردی وجود دارد که خارج از کنترل محقق می‌باشد، ولی به طور بالقوه می‌تواند نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار دهد. برخی از این محدودیت‌ها ذاتی و برخی ناشی از شرایط محیطی و محدودیت زمانی تحقیق می‌باشد. ضرورت دارد نتایج تحقیق علمی، با مدنظر قرار دادن محدودیت‌های موجود مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. محدودیت‌های این تحقیق به شرح زیر بوده است:

۱- نخستین محدودیت که می‌توان گفت مهم‌ترین محدودیت نیز به شمار می‌آید، ویژگی خاص تحقیق نیمه تجربی است که در حوزه علوم اجتماعی متداول است. به سخن دیگر، تأثیر متغیرهای دیگری که کنترل آن‌ها خارج از دسترس محقق است و امکان تأثیرگذاری آن‌ها بر نتایج پژوهش منتفی نیست. متغیرهایی مانند عوامل کلان اقتصادی نظیر نرخ تورم، نرخ بهره و بی ثباتی سیاسی و اقتصادی، وضعیت بازار سرمایه، عمر شرکت‌ها، تحصیلات و تجربه

بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده ... ۳۶۵

مدیران شرکت‌ها، تعدادی از متغیرهایی هستند که ممکن است اثرگذار باشند. در نتیجه، یافته‌های این تحقیق باید با توجه به این شرایط استفاده شود.

۲- محدودیت دیگر مربوط به گردآوری داده‌های مربوط به متغیرهای مستقل پژوهش، مانند اطلاعات مربوط به مؤلف یا غیرمؤلف بودن مدیران بود که صورت جلسات مجمع عمومی تعدادی از شرکت‌ها در این خصوص در دسترس نبود و در گزارش هیأت مدیره و یادداشت‌های توضیحی پیوست صورت‌های مالی افشای کافی در این خصوص صورت نگرفته بود و به دلیل این که یکی از شرایط انتخاب نمونه این تحقیق در دسترس بودن داده‌ها بود، چنین شرکت‌هایی از نمونه حذف گردیدند؛ که این امر بر امکان تعمیم نتایج به جامعه آماری تأثیر می‌گذارد. اگر این محدودیت نبود، امکان بررسی شرکت‌های بیشتری وجود داشت و با اطمینان بیشتری نتایج به کل جامعه قابل تعمیم بود.

۳- با توجه به این که برای محاسبه اجتناب مالیاتی از مجموع مالیات پرداختنی سال جاری و چهار سال گذشته استفاده شده است، لذا این عامل سبب محدود شدن جامعه آماری تحقیق گردید که می‌تواند بر نتایج تحقیق اثرگذار باشد.

۴- محدودیت CETR که توسط هانلون و هیتزمن (۲۰۱۰) به آن اشاره شده است، این است که CETR بین فعالیت‌های حقیقی که در راستای حمایت از مالیات هستند و فعالیت‌های دیگری که برای کاهش مالیات انجام می‌شوند، تمایزی قائل نمی‌شود. به بیان دیگر، میزان مالیات مؤثر محدود و وسیعی از فعالیت‌ها را دربر می‌گیرد، که بسیاری از آن‌ها خطرناک یا غیراخلاقی نیستند (به عنوان مثال، فرار از مالیات از طریق خریداری اوراق قرضه معاف از مالیات). از این رو، برای تحقیقات آتی می‌توان از مدل شلتر<sup>۱</sup> و مدل مزایای ناشناخته مالیاتی به منظور برآورد اجتناب مالیاتی استفاده نمود.

## فهرست منابع

- ۱- ایزدی‌نیا، ناصر و امیر رسانیان (۱۳۸۸)، ساختار سرمایه و مالیات بر درآمد شرکت‌ها در ایران، پژوهشنامه مالیات، شماره چهارم، سال هفدهم، (شماره پیاپی ۵۲)، صص ۳۱-۴۳.
- ۲- باباجانی، جعفر و عبدی، مجید. (۱۳۸۹)، "رابطه اصول راهبری شرکت‌ها و سود مشمول مالیات شرکت‌ها"، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره سوم.
- ۳- جهرومی، مهتاب، (۱۳۹۱)، شفافیت شرکت‌ها و اجتناب از مالیات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه تهران.
- ۴- حساس یگانه، یحیی؛ رئیسی، زهره؛ حسینی، سید مجتبی. (۱۳۸۸)، "رابطه بین کیفیت اصول راهبری شرکت‌ها و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۷۵-۱۰۰.
- 5- Armstrong, C, S. Blouin, J. Jagolinzer, A. Larker, D. (2013). "Corporate Governance, Incentives, and Tax Avoidance". Available at: <http://ssrn.com>.
- 6- Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., Shevlin, T., (2010). "Are family firms more tax aggressive than non-family firms? " Journal of Financial Economics, 95: 41-61.
- 7- Desai, M., Dharmapala, D., (2006), "Corporate tax avoidance and highpowered incentives". J. Fin. Econ. 79: 145-179.
- 8- Desai, M. and Dharmapala, D. (2009a), Corporate Tax Avoidance and Firm Value. Review of Economics and Statistics, 91: 537-546.
- 9- Dhaliwal, D. S., Huang, S. X., Moser, W. and Pereira, R. (2011), Corporate Tax Avoidance and the Level and Valuation of Firm Cash Holdings. Available at URL: <Http://Www.Ssrn.com>.
- 10- Friese, A., Link, S., Mayer, S., (2006), "Taxation and Corporate Governance. Springer Berlin Heidelberg", Berlin, Germany
- 11- Hanlon, M, Heitzman, Sh. (2010). "A review of tax research". Journal of Accounting and Economics, 50: 127-178.
- 12- Hasseldine, J. Morris, G. (2013). "Corporate social responsibility and tax avoidance: A comment and reflection". Accounting Forum, 37: 1-14.
- 13- Huseynov, F, Klamm, B. (2012). "Tax avoidance, tax management and corporate social responsibility". Journal of Corporate Finance, 18: 804-827.

۳۶۷ بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده ...

---

- 14- Lanis, R., G. Richardson. (2011). "Corporate Social Responsibility and Tax Aggressiveness". *Journal of Accounting and Public Policy*, 31: 86-108.
- 15- Lanis, R., G. Richardson. (2011). "the effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness", *Journal of Accounting and Public Policy*, 30: 50-70.
- 16- Khurana, K., Moser, J. (2009). "Institutional Ownership and Tax aggressiveness". Available at: [www.ssrn.com](http://www.ssrn.com).
- 17- Kim, J. O. and G. S. Bae. (2006), "Conservatism and Corporate Income Taxes". *Korean Journal of Taxation Research*, 23: 79-103.
- 19- Minnick, K. and T. Noga. (2010). "Do corporate governance characteristics influence tax management?" *Journal of Corporate Finance*, 16: 703-718.
- 20- Shackelford, D., Shevlin, T. (2001). "Empirical tax research in accounting", *Journal of Accounting and Economics*, 31: 321-387.
- 21- Zimmerman, J. L. (1983). "Taxes and firm size". *Journal of Accounting and Economics*, 5: 119-149.